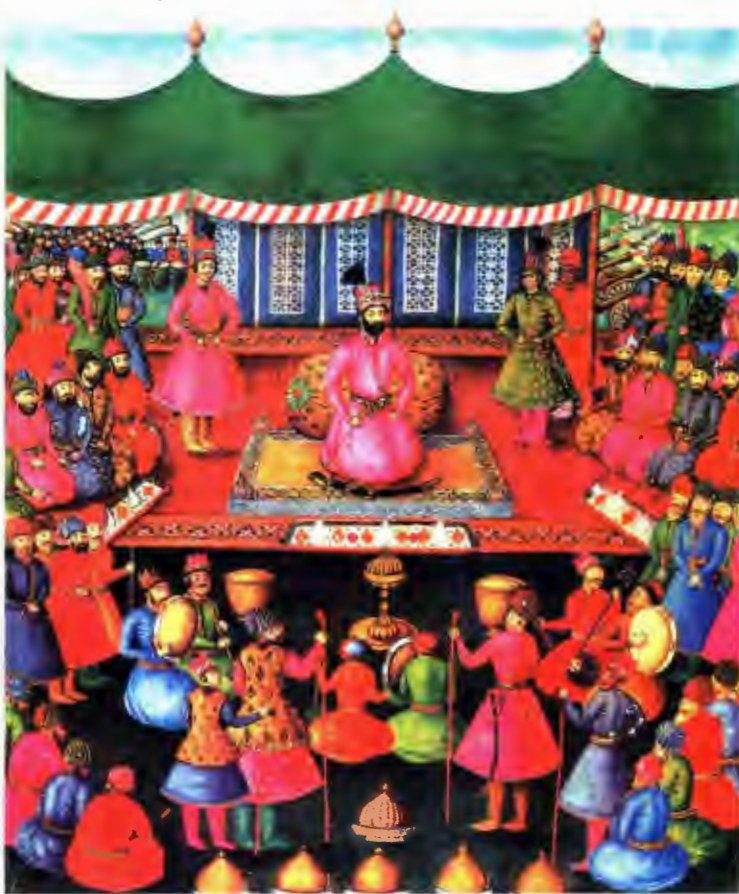


کاتولیکوس آبراهام کرتی
تاریخ من و نادر، شاه ایران
وقایع نامه آبراهام کرتی

ترجمه از متن اصلی قرن هجده با تعلیقات و حواشی
جورج بورنوتیان

ترجمه فارسی
دکتر فاطمه اروجی



تاریخ من و نادر، شاه ایران (وقایع نامهٔ ابراهام کرتی)

تألیف:

کاتولیکوس ابراهام کرتی

ترجمه از متن اصلی قرن هجده با تعلیقات و حواشی:

جورج بورنوتیان

ترجمهٔ فارسی:

دکتر فاطمه اروجی



نشریات طهوری

سرشناسه	: آبراهام، کرتاسی، - ۱۳۳۷م. Abraham, Kertatsi
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ من و نادر، شاه ایران (وقایع نامه آبراهام کرتی) / تألیف آبراهام کرتی؛ ترجمه از متن اصلی قرن هجده با تعلیقات و حواشی جورج بورتوتیان؛ ترجمه فارسی فاطمه اروجی.
مشخصات نشر	: تهران: طهوری، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۰ ص: مصور.
شابک	: 978-600-5911-44-2
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
یادداشت	: عنوان اصلی: Patmut'iwn of Kat'oghlikos Abraham Kretats'i.
یادداشت	: کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان "The chronicle of Abraham of Crete" به فارسی برگردانده شده است.
موضوع	: ارمنستان -- تاریخ -- ۱۵۲۲-۱۸۰۰م. -- اسناد و مدارک.
موضوع	: Armenia--History--1522-1800--Sources
موضوع	: نادر افشار، شاه ایران، ۱۱۰۰-۱۱۶۰ق.
موضوع	: آبراهام، کرتاسی، - ۱۳۳۷م.
موضوع	: Abraham, Kertatsi
موضوع	: قفقاز -- تاریخ -- اسناد و مدارک
موضوع	: Caucasus--History--Sources
شناسه افزوده	: بورتوتیان، جورج ا، ۱۳۲۲ - مترجم
شناسه افزوده	: Bournoutian, George A.
شناسه افزوده	: اروجی، فاطمه، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ DS۱۹۱/۱۲ت۲
رده بندی دیویی	: ۹۵۶/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۳۶۷۷۴

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Chronicle of Abraham of Crete
(Patmut'iwn of Kat'oghlikos Abraham Kretats'i)
Annotated Translation from the Critical Text with
Introduction and Commentary by George A. Bournoutian
Costa Mesa, California, U.S.A-Mazda Publishers



انتشارات طهوری

شماره ۱۳۰۴، خیابان انقلاب، صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵

تلفن: ۶۶۴۰۶۳۳۰ - فکس ۶۶۴۸۰۰۱۸



تاریخ من و نادر، شاه ایران

(وقایع نامه آبراهام کرتی)

تألیف: کاتولیکوس آبراهام کرتی

ترجمه از متن اصلی قرن هجده با تعلیقات و حواشی: جورج بورتوتیان

ترجمه فارسی: دکتر فاطمه اروجی

چاپ اول، ۱۳۹۶ - ۵۵۰ نسخه

ناظر فنی چاپ: بهروز مستان

کلیه حقوق چاپ و انتشار محفوظ است.

۲۸۰۰۰۰ ریال

به یاد

مصطفی

خواهرزاده عزیزم که وجودش همه امید بود و گرمی؛
و دریغا! چه زود امید و گرمی اش در خزان از میان رفت!

هزار نقش برآورد زمانه و نبود
یکی چنان که در آئینه تصور ماست

فهرست مطالب

۷	یادداشت مترجم انگلیسی بر ترجمه فارسی
۱۱	مقدمه مترجم فارسی
۱۷	مقدمه مترجم انگلیسی
۲۹	متن کتاب
۱۸۱	توضیحات
۱۹۵	واژه‌نامه اصطلاحات غیرارمنی
۲۰۲	نقشه: اماکن جغرافیایی ذکر شده در متن
۲۰۳	فهرست منابع و مأخذ مترجم انگلیسی
۲۰۶	فهرست منابع و مأخذ مترجم فارسی
۲۰۷	فهرست اعلام

یادداشت مترجم انگلیسی بر ترجمه فارسی

از آغاز قرن شانزدهم میلادی سرزمین‌های قفقاز جنوبی به عنوان بخشی از قلمرو ایران محسوب می‌شد که همچنان با قرارداد زهاب (قصر شیرین) در ۱۶۳۹م. به رسمیت شناخته شد. این وضعیت تا ۱۷۲۲-۲۳م. باقی ماند تا زمانی که در سال ۱۷۲۴م. امپراطوری‌های عثمانی و روسیه آن را میان خود تقسیم نمودند. اما پیروزی‌های نظامی نادر دوباره کنترل ایران را بر قفقاز جنوبی برقرار نمود.

کتاب «وقایع‌نامه آبراهام کرتی» نشانه‌ای است روشن از مناسبات ویژه کلیسای ارمنی و بزرگان ارمنی با نادرشاه افشار. اثر آبراهام کرتی در میان منابع اصلی تاریخ ایران در قرن هجدهم منبعی منحصر به فرد است. آن دربردارنده مواد باارزشی است دربارهٔ حوادث و اتفاقات منطقهٔ قفقاز جنوبی در دورهٔ نادرشاه افشار، به ویژه دربارهٔ لشکرکشی‌های نادر علیه عثمانی‌ها در قفقاز، دیدارهایش از اچمیادزین، قوریلتهای دشت مغان و تاجگذاری نادر.

این کتاب همین‌طور برای بررسی ساختار اداری و اقتصادی دولت صفویه و همچنین دولت‌های افشاریه و زندیه و قاجاریه که از نمونه‌های صفویه به میزان بسیاری استفاده کردند منبع باارزشی است. سازمان اداری و ساختار اقتصادی صفویه که در قفقاز جنوبی گسترش یافته بود حتی پس از سقوط صفویه نیز در

منطقه باقی ماند. این واقعیت به ویژه در واژگان مورد استفاده آبراهام کرتی آشکار است. همچنین اصطلاحاتی نظیر مُلک، تیول، مالوجهات، داروغه، و بسیاری لغات دیگر که در سرتاسر منطقه تا پایان قرن نوزده باقی ماند، نمونه‌ای از آن به شمار می‌رود. از این رو این کتاب منبعی غنی برای مطالعه و بررسی زبان و لغات و اصطلاحات فارسی، ارمنی، عثمانی، ترکی، عربی، کردی، مغولی و آذری است.

بسیار خوشحال هستم که دکتر فاطمه اروجی از استادان گروه تاریخ دانشگاه تبریز ترجمه کتابم «وقایع‌نامه آبراهام کرتی» را به فارسی برعهده گرفت و آن را آماده نمود. برخلاف دیگران که کتاب‌هایم را بدون اجازه ترجمه می‌کنند، دکتر اروجی برای ترجمه کتاب‌های من در صدد کسب اجازه از من برآمد و با موافقت من به این کار اقدام نمود.

«تاریخ جنگ‌ها»ی آبراهام ایروانی که قبلاً منتشر شده است و کتاب «مختصری از تاریخ مردم ارمنی» که در دست چاپ است از جمله کتاب‌هایی هستند که توسط ایشان به فارسی برگردانده شده‌اند؛ و اینک ترجمه فارسی «وقایع‌نامه آبراهام کرتی» پیش روی شماست.

با عنایت به این کتاب استادان، محققان و پژوهشگران حوزه تاریخ ایران و همچنین دانشجویان ایرانی رشته تاریخ می‌توانند این منبع اصلی را در تحقیقات و پژوهش‌های خود مورد استفاده قرار دهند. به این ترتیب امید می‌رود که با در دسترس قرار گرفتن چنین منابعی، کمبودهایی که درباره برخی از حوادث و اتفاقات دوره نادرشاه افشار به ویژه در مناطق شمال غربی ایران در منابع اصلی تاریخی این دوره وجود دارد، جبران شود.

دکتر جورج بورنوتیان،

استاد تاریخ کالج آیونا،

نیویورک، ایالات متحده، ۵ اکتبر ۲۰۱۷

مقدمه مترجم فارسی

تاریخ من و نادر، شاه ایران یا وقایع نامه آبراهام کرتی نوشته کاتولیکوس آبراهام کرتی جاثلیق یا خلیفه اعظم ارامنه است و دربردارنده حوادث سال‌های ۱۷۳۴-۱۷۳۶ م. ۱۱۴۷/۱۱۴۹ ه. می‌باشد. او به‌عنوان اسقف اعظم رودستو، مرکز تراکیه در ساحل دریای سیاه، برای مدت بیست و پنج سال (۱۷۰۸-۱۷۳۴ م.) خدمت کرد و در سال ۱۷۳۴ م. به قصد زیارت کلیسای اچمیادزین، تراکیه را ترک کرد و پس از چند روز مسافرت به کلیسای اچمیادزین رسید، که در نظر ارامنه از مقدس‌ترین اماکن روی زمین است. به محض ورود آبراهام کرتی، وی مورد توجه و علاقه کاتولیکوس آبراهام دوم خوشابی (۱۷۳۰-۱۷۳۴ م.) قرار گرفت. مدت زیادی از ورود او به اچمیادزین نگذشته بود که، کاتولیکوس مذکور بر اثر بیماری و پیری از دنیا رفت و آبراهام کرتی برخلاف میل خود، به فرمان حسین‌پاشا - حاکم عثمانی ایروان - به‌جای کاتولیکوس متوفی، به‌عنوان کاتولیکوس کلیسای اچمیادزین، برگزیده شد.

دوران کاتولیکوسی آبراهام سوم کرتی، مصادف بود با لشکرکشی‌ها و حضور مؤثر و پررنگ نادر در قفقاز و برخوردها و نبردهای او با عثمانی‌ها. بنابراین طبیعی است که در منطقه ایروان ملاقات‌هایی میان نادر و آبراهام کرتی

صورت پذیرفته باشد. در آغاز محرم سال ۱۱۴۸ ه. (اواخر مه ۱۷۳۵ م.) نادر که در این تاریخ به طهماسب‌قلی‌خان معروف شده بود، برای رویارویی با قوای عثمانی تحت فرماندهی عبدالله‌پاشا کوپرولواوغلو، فرمانده کل سپاه عثمانی، در بازگشتش از قارص به سوی آرات رفت. در این زمان در کنار کلیسای اچمیادزین اردو زد و آبراهام کرتی با تعدادی از کشیشان و هدایای مناسب به دیدن او رفت و با نادر ملاقات نمود. او به‌طور مفصل دربارهٔ نخستین دیدار خود با نادر، در کتاب خود گفت‌وگو می‌کند. از این تاریخ یک علاقه و پیوند دوستی و محبت میان نادر و آبراهام کرتی پدید می‌آید که منافع بسیاری از آن نصیب ارامنه و کلیساهایشان، به‌ویژه اچمیادزین شد؛ تا جایی که کاتولیکوس تا پایان دیدارهای خود با نادر و حتی با برادر نادر و دیگر قدرت‌های منطقه، فرامین و احکام بسیاری دربارهٔ بهبود وضعیت ارامنه، تعمیر کلیساها، بخشودگی‌های مالیاتی ارامنه، آزادکردن اسرای ارمنی و... دریافت نمود. پس از پایان دیدار نخست نادر با کاتولیکوس بود که او از نادر درخواست نمود تا از اچمیادزین دیدار نماید و در طی این دیدار که نادر از کلیسای اچمیادزین انجام داد هدایا و اموال بسیاری به کلیسا تقدیم داشت و فرامین بسیاری دربارهٔ کلیسا و مردم ارامنه صادر نمود، که همگی نشانگر توجه و علاقهٔ نادر به کاتولیکوس و مردم ارمنی می‌باشد. به‌ویژه کاتولیکوس به دلیل آنکه از علاقه و توجه نادر به خود آگاه بود، برای تحت‌تأثیر قرار دادن نادر از کلمات و جملات ترکی استفاده می‌نمود که نادر بیش از پیش به او توجه و علاقه نشان می‌داد و همهٔ خواست‌ها و نیازهای او را برآورده می‌ساخت.

پس از نبرد اغوارد که در ۲۶ محرم ۱۱۴۸ ه. ۱۸/ ژوئن ۱۷۳۵ م. میان نادر و عثمانی‌ها روی داد و نادر به پیروزی درخشانی دست یافت و سرفرماندهٔ سپاه عثمانی‌ها، عبدالله‌پاشا کوپرولواوغلو، به قتل رسید، کاتولیکوس پس از پایان نبرد بود که در منطقه حاضر شد و به دستور نادر بنای یادبودی را در منطقه به افتخار پیروزی وی بر عثمانی‌ها بنا نمود.

پس از رفتن نادر به تفلیس در جمادی الاول ۱۱۴۸ هـ. ۲۷/ اکتبر ۱۷۳۵ م. بار دیگر کاتولیکوس را در کنار نادر مشاهده می‌نماییم که به فرمان نادر در اردوی او حاضر شده بود. در تفلیس نادر به خلیفه، مهربانی بسیاری نمود و از او در نزد خان ایروان و سایر سرداران تعریف و تمجید بسیاری کرد و به ایشان سفارش نمود که مبادا موجبات رنجش خاطر خلیفه و آرامنه را فراهم سازند. در اینجا نیز، خلیفه فرامین و احکام بسیاری از نادر دربارهٔ موضوعات مربوط به کلیسای اچمیادزین و به‌طور کل کلیسای ایروان، حُسن سلوک با آرامنه، تخفیف مالیاتی و... دریافت نمود و به‌ویژه خلیفه موفق شد تا نظر نادر، که فرمان داده بود سیصد خانوار از مردم تفلیس به خراسان کوچ داده شوند، را تغییر داده مشروط بر آنکه مبالغی نقد و جنس از آنها دریافت شود.

پس از این اتفاقات است که خلیفه به همراه حاکم ایروان و دیگر بزرگان ارمنی به دستور نادر به دشت‌مغان فراخوانده می‌شود. از این قسمت تا پایان حوادث دشت‌مغان که کاتولیکوس خود شاهد و ناظر آن بوده حدود چهار — پنجم از حجم کتاب را به خود اختصاص می‌دهد.

آبراهام کرتی همان‌گونه که خود در کتاب می‌گوید در روز ۳ ماه دسامبر ۱۷۳۵ م. (۲۸ رجب ۱۱۴۸ هـ.) با گروهی از کشیشان و خدمتگزاران کلیسا که حدود بیست‌وپنج تن می‌شدند از اچمیادزین حرکت کرد و یک‌ماه بعد در روز ۳ ژانویه ۱۷۳۶ م. (شعبان ۱۱۴۸ هـ.) به دشت‌مغان، در محل تلاقی رودخانه‌های کر و ارس، رسید؛ که محل اجتماع دعوت‌شدگان نادر بود.

کاتولیکوس در دشت‌مغان به دستور نادر در ردیف مهمانان برجسته مورد توجه و پذیرایی قرار گرفت و همواره مورد توجه خاص و الطاف نادر قرار گرفته و در چند نوبت هدایا و خلعت‌های گرانبهایی از سوی نادر دریافت نمود. او مجدداً، مانند سابق از فرصت استفاده کرده و احکام و فرامین بسیاری را دربارهٔ اچمیادزین و آرامنه از نادر دریافت داشت. کاتولیکوس به تفصیل حوادث و جریانات دشت‌مغان، برنامهٔ نادر برای صعود به تخت و اقدامات او را در

این زمینه، به طوری جزئی و دقیق بیان می‌دارد که در دیگر منابع به این شکل وجود ندارد. بنابراین وقایع‌نامه به‌ویژه در این باره از حوادث تاریخی شاهد عینی، زنده و گویا می‌باشد. آبراهام که خود شاهد و ناظر عینی و زنده اتفاقاتی است که بیان می‌دارد از این رو کتاب وی می‌تواند به‌عنوان سندی گویا در این زمینه از تاریخ ایران مورد بررسی و توجه علاقه‌مندان، پژوهشگران و مورخان قرار گیرد. کاتولیکوس حتی به توصیف دقیق و جزئی موقعیت جغرافیایی دشت مغان، وضعیت اقلیمی و همهٔ اماکن و مناطقی که از آنجا عبور کرده، می‌پردازد. شاید ناآشنایی او به منطقه و اینکه او از کشور دیگری به منطقهٔ قفقاز آمده بود به این مسئله کمک نمود که او برای فهم بیشتر خود به توصیف جغرافیایی، اقلیمی و تاریخی مناطق قفقاز بپردازد و از این جهت وقایع‌نامه یکی از منابع منحصر به فرد جغرافیای تاریخی دربارهٔ منطقهٔ قفقاز جنوبی می‌باشد. وقایع‌نامهٔ آبراهام کرتی شامل حوادث و اتفاقات روی داده از آوریل ۱۷۳۴ تا نوامبر ۱۷۳۶ م. ۱۱۴۷-۱۱۴۹ ه. در شمال غربی ایران از جمله منطقهٔ قفقاز جنوبی و ارمنستان شرقی است. آن شامل تصویری زنده و گویا از اوضاع و حوادث و شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی منطقهٔ قفقاز است. آبراهام کرتی شاهد و ناظر همهٔ حوادث و اتفاقاتی است که دربارهٔ آن در کتاب گفت‌وگو می‌کند و یا از مطمئن‌ترین اشخاص آن را شنیده و بیان می‌دارد. به همین مناسبت دربردارندهٔ اطلاعات مفصل و مشروحی از اوضاع اداری و اجتماعی ایران در آن دوره و هم‌چنین منبعی ارزشمند از اصطلاحات و عبارات فارسی، ترکی، عربی و کردی آن دوره است.

این کتاب توسط خود کاتولیکوس آبراهام کرتی در سال‌های ۱۷۳۶-۱۷۳۷ م. ۱۱۴۹-۱۱۵۰ ه. نوشته شده است. آبراهام کرتی عناوینی همچون: وقایع خود و نادر، شاه ایران یا تاریخ من و نادر، شاه ایران را بر آن نهاده است. این کتاب نخستین بار توسط جورج بورتوتیان از ارمنهٔ ایرانی‌الاصل مقیم آمریکا، استاد تاریخ اروپای شرقی و خاورمیانه در کالج آیونا، به زبان انگلیسی ترجمه شد و عنوان وقایع‌نامهٔ آبراهام کرتی را به خود گرفت. ترجمهٔ انگلیسی آن از روی

چاپ انتقادی آن که در ۱۹۳۷م. توسط آرشیوهای ماتناداران و آکادمی علوم جمهوری ارمنستان در ایروان منتشر شده بود انجام گرفت. هم‌چنین از ترجمه‌های فرانسوی و روسی و دیگر چاپ‌های آن استفاده شده است. مترجم انگلیسی کاری بس بااهمیت و دشواری را در این ترجمه متقبل شده است. ایشان زحمات بسیاری را درباره توضیحات، تعلیقات و حواشی کتاب انجام داده و اضافات و حواشی ارزنده‌ای را در این زمینه آماده ساخته‌اند. جورج بورنوتیان در این زمینه به کتاب‌ها و منابع بسیاری مراجعه نموده و به دلیل تسلط و احاطه ایشان به چندین زبان از جمله فارسی، ارمنی، روسی و انگلیسی، توانسته‌اند در زمینه زبان‌شناسی و شرح اصطلاحات متعددی که در کتاب به‌کار رفته است توضیحات لازم و مفیدی را ارائه نمایند. هم‌چنین ایشان در پایان کتاب، نقشه‌ای را ضمیمه نموده که درباره اماکن جغرافیایی ذکر شده در متن است و به خواننده درباره فهم بهتر و بیشتر حوادث و اتفاقات ذکر شده در کتاب یاری می‌رساند. علاوه بر آن در پایان کتاب اصطلاحات غیر ارمنی را نیز در یک‌جا آورده و درباره آنها توضیحات جداگانه‌ای را ارائه داده‌اند. ترجمه انگلیسی کتاب در سال ۱۹۹۹م. توسط انتشارات مزدا در آمریکا منتشر شده است.

از جورج بورنوتیان آثار بسیاری درباره قفقاز جنوبی، اروپای شرقی و تاریخ ایران منتشر شده است که از جمله آنها تاریخ جنگ‌ها نوشته آبراهام ایروانی است که توسط نگارنده این سطور به فارسی برگردانده شده است.

کتاب وقایع‌نامه آبراهام کرتی در شمار منابع دیگر ارمنی معاصر خود یعنی گزارش‌های گیلانتتر و تاریخ جنگ‌ها در زمره منابع ارزشمند موجود آن دوره تاریخ ایران و به‌ویژه تحولات شمال غربی ایران از جمله منطقه قفقاز جنوبی و ارمنستان شرقی و حوادث و اتفاقاتی است که در آن دوره در آن مناطق روی داده است. قسمت‌هایی از این کتاب برای نخستین بار تحت عنوان منتخباتی از یادداشت‌های آبراهام کاتوگی گوس خلیفه اعظم ارامنه توسط عبدالحسین سپنتا و استیفان هانانیان به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ش چاپ شد و در

سال ۱۳۴۷ش/۱۹۶۹م. توسط انتشارات وحید به چاپ دوم رسید. این ترجمه فقط قسمتی از کتاب را شامل می‌شود که راجع به دشت‌مغان و انتخاب و تاجگذاری نادر است و از فصل ۲۲ کتاب تا فصل ۴۶ را دربرمی‌گیرد (به‌جز فصل ۲۹ که در این ترجمه موجود نیست) در حالیکه کل وقایع‌نامه شامل ۵۳ فصل است. این ترجمه بسیار مختصر و کوتاه انجام شده است و از این‌رو دربردارنده تمام مطالب فصول ترجمه شده نیز نمی‌باشد. در پایان این ترجمه چند فرمان نیز از نادرشاه ضمیمه شده است. مرحوم نصرالله فلسفی نیز قسمت‌هایی از این کتاب را در مقاله‌ای تحت عنوان: «چگونه نادرقلی نادرشاه شد» به فارسی ترجمه کرده است، و آن مربوط به مقدمات آشنایی خلیفه ارمنی با نادر و تعریف مجلس دشت‌مغان و اتفاقات گوناگون آن مجلس و تشریفات انتخاب نادرقلی به پادشاهی ایران و ترتیب تاجگذاری اوست. علاوه بر آن نصرالله فلسفی در پایان این مقاله صورت وثیقه عهدنامه نادری را نیز آورده است. این مقاله در کتاب چند مقاله تاریخی و ادبی است که توسط انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲ش. منتشر شده است. ترجمه‌های مذکور، گرچه مختصر است و شامل تمامی متن وقایع‌نامه نمی‌شود، اما به‌ویژه ترجمه سپنتا و هانانیان، در ترجمه حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

ترجمه فارسی وقایع‌نامه که اینک پیش روی شماست، نخستین ترجمه کامل آن به زبان فارسی می‌باشد و همان نام اصلی کتاب، که نویسنده بر روی آن نهاده است، برای آن انتخاب و برای حفظ امانت در ترجمه، عنوان ترجمه انگلیسی آن نیز در ذیل نام اصلی کتاب آمده است. ترجمه فارسی آن نیز به مانند ترجمه انگلیسی کاری آسان نبود. تلاش بسیاری انجام شد تا متن به همان شکل اصلی به فارسی برگردانده شود، به‌جز در پاره‌ای موارد که ترجمه آن برای فارسی‌زبانان لازم نبود که حذف شدند و همه آنها در پانوشت‌ها توضیح داده شده‌اند. درباره برخی از اشتباهاتی که در متن توسط آبراهام کرتی و به‌ویژه در پانوشت‌ها از سوی مترجم محترم انگلیسی صورت گرفته بود لازم آمد توضیحاتی در پاورقی از سوی مترجم فارسی آورده شود.

برخی مکالمات آبراهام بانادر که به صورت ترکی انجام شده توسط خود او در کتاب آمده است. آنها با الفبای ارمنی نوشته شده و مترجم انگلیسی آنها را به طور مستقیم ترجمه کرده است. در ترجمه فارسی تمام آن عبارات و مکالمات ترکی عیناً با نوشتار فارسی آمده است.

مترجم انگلیسی در استفاده از برخی از منابع و کتابهای فارسی از ترجمه آنها به زبان انگلیسی استفاده نموده و به همان‌ها هم ارجاع داده است. در ترجمه فارسی به اصل منابع فارسی مراجعه و لذا به همان‌ها هم ارجاع داده شده است. منابع مورد استفاده مترجم انگلیسی به همان شکل بدون هیچ تغییری در پایان ترجمه فارسی آورده شده است. علاوه بر آن منابع مورد استفاده مترجم فارسی نیز در قسمت دیگری به شکل جداگانه آمده است. مترجم انگلیسی در پایان کتاب توضیحاتی درباره برخی از اصطلاحات غیر ارمنی آورده است. در ترجمه فارسی بخش‌هایی از آنکه مورد استفاده فارسی‌زبانان است آمده و اصطلاحاتی که برای فارسی‌زبانان بسیار آشکار و از بدیهیات بوده و لذا نیازی به توضیح درباره آنها نبوده حذف شده است. در پایان ترجمه انگلیسی نقشه‌ای ضمیمه کتاب شده است که درباره مناطق جغرافیایی مورد اشاره در متن است؛ در ترجمه فارسی نیز این نقشه گنجانده شده است.

برای جلوگیری از تداخل توضیحات مترجم انگلیسی و مترجم فارسی در پانوشته‌ها، توضیحات مترجم انگلیسی با علامت اختصاری (م. ا) و توضیحات مترجم فارسی با علامت اختصاری (م. ف) آمده است. در اینجا بر خود واجب می‌دانم از جناب آقای دکتر جورج بورنوتیان که اجازه ترجمه این کتاب را به زبان فارسی به من دادند و هم به دلیل کمک‌های بی‌شمار ایشان در توضیحات برخی از لغات، اسامی و اصطلاحات ارمنی نهایت سپاسگزاری را بنمایم. همین‌طور از جناب آقای عبداللهی کارشناس محترم گروه تاریخ دانشگاه تبریز که در بازخوانی این متن به من کمک کردند تشکر و قدردانی می‌نمایم. از جناب آقای احمدرضا طهوری که زحمت چاپ و انتشار این کتاب را متقبل شدند

سپاسگزارم، و همچنین از آقای مسعود فیروزخانی که آماده‌سازی و صفحه‌آرایی این کتاب را عهده‌دار شدند تشکر می‌نمایم.
در پایان از همه خوانندگان این کتاب برای همه اشتباهات و کاستی‌های آن پوزش طلبیده و امیدوارم که با ارائه راهنمایی‌های سودمند خویش این‌جانب را در چاپ‌های آتی آن کمک نمایند.

فاطمه اروجی

خردادماه ۱۳۹۶ خورشیدی - تبریز

مقدمه مترجم انگلیسی

پانزده سال میان ۱۷۲۲ و ۱۷۳۶م. (۱۱۳۵-۱۱۴۹ه.ق) دوران آشفته‌ای برای ایران و قفقاز جنوبی^۱ بود. در مارس ۱۷۲۲م. (۱۱۳۵ه.ق) افغان‌های شورشی به اصفهان - پایتخت صفویان - رسیدند و آن را محاصره کردند. در می همان سال، پطرکیبر (۱۶۸۹-۱۷۲۵) با تشویق آرتمی وولینسکی - فرستاده پیشین‌اش به ایران - با استفاده از بی‌ثباتی ایران، بعد از اینکه صلحی را با سوئد منعقد نمود، سپاهش را به سوی سواحل خزر حرکت داد. در اکتبر، اصفهان به دست افغان‌ها سقوط کرد. شاه سلطان حسین (۱۶۹۶-۱۷۲۲م./۱۱۰۷-۱۱۳۵ه.ق) خلع گردید، در حالیکه پسر و جانشین‌اش - طهماسب دوم - گریخت و در پی یافتن کسب حمایت برای اعاده سلطنت خاندانش گردید.

در اواخر تابستان ۱۷۲۳ روس‌ها قسمت بزرگی از سواحل خزر را اشغال کردند و بر سر عهدنامه‌ای با طهماسب مذاکره نمودند. عهدنامه سپتامبر ۱۷۲۳ که در سنت پترزبورگ^۲ به امضا رسید، سواحل جنوب غربی و جنوبی دریای خزر

۱. Transcaucasia. اصطلاح «ماورای قفقاز» از دیدگاه روس‌ها و کشورهای غربی به مناطق و سرزمین‌های واقع در جنوب قفقاز اطلاق می‌شود. در واقع این اصطلاح از قرن نوزدهم توسط روس‌ها به کار گرفته شد و پس از آن مورخان و نویسندگان اروپایی و آمریکایی نیز از آن استفاده نمودند. در اینجا به جای آن از اصطلاح «قفقاز جنوبی» یا «ماورای ارس» استفاده می‌شود. (م. ف.)

2. St. Petersburg

(شامل باکو و دربند) را به روسیه واگذار کرد. در مقابل، روسیه متعهد به حمایت از طهماسب برای ایجاد آرامش در کشورش و سرکوب شورشیان گردید.

اگرچه عهدنامه هرگز به تصویب نرسید، عثمانی‌ها که از حضور روس‌ها در قفقاز جنوبی - حیاط خلوت آناتولی شرقی - بیمناک بودند، قرارداد ۱۶۳۹ م. (۱۰۴۹ هـ.) با ایران^۱ را نقض کردند و در سال ۱۷۲۳ به ارمنستان شرقی و گرجستان شرقی هجوم بردند. جنگ میان ترک‌ها و روس‌ها از طریق میانجیگری سفیر فرانسه در استانبول^۲ متوقف شد و منجر به قرارداد (ژوئن ۱۷۲۴) میان دو کشور گردید که نتیجه آن در عمل تقسیم قفقاز جنوبی بود.^۳

جای بسی تعجب است که ارمنستان شرقی و گرجستان شرقی تاریخی، که عمدتاً توسط مسیحیان مسکون بود، به عثمانی‌ها واگذار شد، در حالیکه قسمت‌های شرقی ماورای ارس که عمدتاً توسط مسلمانان مسکون بود، به روس‌ها داده شد. ارمنیان و گرجیان، که بطر به آنها وعده‌رهایی از حکومت مسلمانان را داده بود، به حال خود رها شدند، و مجبور شدند با عثمانی‌ها - رؤسای جدید منطقه - کنار بیایند. عثمانی‌ها بر کاختی^۴ و کارتلی^۵، گنجه^۶، ایروان^۷، نخجوان^۸، نیمی از شیروان^۹، قسمت‌هایی از قراباغ^{۱۰} و قسمتی از شمال غربی ایران تسلط یافتند. به‌رحال مناطق کوهستانی قراباغ و زنگزور^{۱۱}، تحت رهبری داویت بیک^{۱۲} و شمار دیگری از رؤسای ارمنی، در برابر تجاوز ترک‌ها مقاومت کردند و تقریباً استقلال خود را نگاه داشتند.

۱. معاهده صلح قصرشیرین یا زهاب که در تاریخ ۱۶۳۹ م (۱۰۴۹ هـ. ق) به دنبال تجاوز عثمانی‌ها به بغداد در دوره پادشاهی شاه صفی (۱۶۲۹-۱۶۴۲ م. ۱۰۳۸-۱۰۵۲ هـ. ق) به امضا رسید. برای اطلاعات بیشتر درباره این قرارداد رک: هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹، صص ۱۰۴-۱۰۵. (م. ف)

2. Constantinople

۳. برای دیدن متن این قرارداد، مراجعه کنید به: J. C. Hurewitz, Diplomacy in the Near and Middle East: A Documentary Record, 1535-1914, (Princeton, 1956), 42-45. (م. ا). همچنین رک: هوشنگ مهدوی، صص

۱۴۸ و ۱۴۹. (م. ف)

4. Kakhet'i

5. K'art'li

6. Ganje

7. Erevan

8. Nakhichevan

9. Shirvan

10. Karabagh

11. Zangezur

12. Dawit' Beg

در ۱۷۲۶، طهماسب یک فرمانده توانا و جاه طلب از قبیله افشار، نادرقلی^۱، را به خدمت گرفت؛ کسی که در نبرد با افغان‌ها و دیگر شورشیان در شمال شرقی ایران برای خودش نام و نشانی کسب کرده بود. نادر با خلاصی از یک فرمانده رقیب به زودی توجه سلطان را به خود جلب کرد و عنوان طهماسب‌قلی «بنده طهماسب» یا مؤدبانه «جان‌فشان (فدایی) طهماسب» یافت. نادر پس از چندین لشکرکشی افغان‌ها را شکست داد و در اواخر ۱۷۲۹ اصفهان را پس گرفت. طهماسب به عنوان شاه منصوب شد و سلسله (صفویه) احیا گردید.

یک سال بعد نادر برای بازپس‌گیری ایالات اشغال شده توسط عثمانی‌ها به شمال لشکرکشی کرد. تبریز در ماه اوت باز پس گرفته شد. روس‌ها که خواستار خروج عثمانی‌ها از شمال ایران و ماورای ارس بودند، با فرستادن افسران توپخانه روسی در خدمت نادر، به ایرانیان کمک کردند، که منتهی به بازپس‌گیری تمامی آذربایجان گردید. شورشی در هرات، نادر را مجبور به ترک آذربایجان و لشکرکشی به شمال شرقی ایران نمود. شاه طهماسب که از موفقیت‌های نادر دچار بیم و حسادت شده بود، از غیبت سرفرمانده‌اش استفاده کرد و در ۱۷۳۱ به نخجوان و ایروان لشکرکشی نمود. عثمانی‌ها نیروهایش را در ایروان تارومار نمودند و در ژانویه ۱۷۳۲ شاه را مجبور به انعقاد توافق‌نامه‌ای نمودند که براساس آن قفقاز جنوبی را به عثمانی‌ها واگذار می‌نمود.

در این اثنا، آنا امپراتریس روسیه (۱۷۳۰-۱۷۴۰) که از مرگ و میر شدید نیروهای روسی در اثر بیماری متعجب شده بود، نیروهایش را از سواحل جنوبی خزر عقب کشاند. با عهدنامه رشت (فوریه ۱۷۳۲)^۲ روسیه همچنین موافقت کرد که نیروهایش را از قسمت‌های شرقی ماورای ارس خارج سازد، هنگامی که ترک‌ها از ارمنستان و گرجستان بیرون شدند.

۱. Nader Qolī. نادرشاه افشار آینده. آبراهام به او به عنوان طهماسب‌خان، طهماسب‌قلی‌خان، یا ولی‌نعمت اشاره می‌کند. (م.ا)

۲. برای دیدن متن این عهدنامه، نگاه کنید به: Hurewitz, I, 45-47 (م.ا)؛ همچنین رک: هوشنگ مهدوی، صص ۱۵۸ و ۱۵۹. (م. ف)

نادر با بهره‌گیری از شکست تحقیرآمیز شاه طهماسب و باده‌گساری‌اش، او را در تابستان ۱۷۳۲ خلع نمود. عباس سوم، پسر خردسال شاه، به‌عنوان فرمانروای جدید اعلام شد، و نادر نایب‌السلطنه شد. سپس نادر جنگ با عثمانی‌ها را از سرگرفت. پس از برخی عقب‌نشینی‌های اولیه، در پایان ۱۷۳۳، ایرانیان، ترک‌ها را شکست دادند و سرفرمانده‌شان، توپال عثمان‌پاشا، را کشتند. در این اثنا، روس‌ها، شاهزاده سرگئی دمیتروویچ گولیتسین^۱ را به‌عنوان نماینده به ایران فرستادند، برای مطمئن کردن نایب‌السلطنه به اینکه روس‌ها آماده کمک کردن به اخراج عثمانی‌ها از قفقاز جنوبی هستند، بعد از آن، آنها به‌طور کامل منطقه را ترک خواهند کرد.

نادر در ۱۷۳۴ به قفقاز جنوبی لشکر کشید. پس از گرفتن شماخی^۲، به داغستان^۳ لشکرکشی کرد. بعد با کمک افسران توپخانه روسیه، گنجه را محاصره کرد. روسیه با اطمینان از اینکه ایرانیان خواهند توانست ترک‌ها را از قفقاز جنوبی اخراج کنند، (در مارس ۱۷۳۵) عهدنامه گنجه را امضا کرد و به‌زودی پس از آن از باکو و دربند خارج شد و به مرزهای قبل از ۱۷۲۲ در کنار رودخانه ترک^۴ بازگشت.

عثمانی‌ها سپاهی بزرگ را تحت رهبری «عبدالله کوپرولوپاشا»^۵ برای مواجهه با ایرانیان فرستادند. با ادامه محاصره گنجه، نادر به پیشواز تیمورپاشا^۶ — حاکم وان — شتافت که در حال حرکت برای یاری رساندن به دفاع از تفلیس^۷ بود. او که قادر به جلوگیری از تیمورپاشا نبود، به‌سوی قلعه قازانچای^۸ حرکت کرد. اما بارش برف

1. Sergei Dmitrievich Golitsyn

2. Shemakhi

3. Daghestan

۴. The Terek River. نام رودخانه‌ای است نزدیک به دربند و شروان. رود بزرگی است که از ارتفاع چهارهزار گزی کوه‌های قفقاز سرچشمه گرفته از چرکستان و قبرطای می‌گذرد و وارد دره وسیع و عمیقی می‌گردد. آنگاه چند رود به آن می‌پیوندد و پس از عبور در نواحی مختلف از جمله قصبه موزدوق و قیزلر، به‌سوی شرق جاری می‌گردد. سپس دو شعبه شده، با تشکیل دلتایی وارد دریای خزر می‌گردد. طول این رود ۵۹۲ هزار گز است و به زبان ارمنی این رود را ترخ [ت] (Terkh) نامند. رک: لغت‌نامه دهخدا. (م. ف)

5. Abdullah Köprülü Pasha

6. Timur Pasha

7. Tiflis. امروزه جمهوری گرجستان. (م. ا)

8. KazanÇay

حرکتش را غیرممکن ساخت و از طریق لوری^۱ به سوی قارص^۲ حرکت کرد. در ۲۴ می ۱۷۳۴ او در سه‌مایلی قارص اردو زد. از آنجایی که عبدالله پاشا قارص را ترک نکرد، نادر، با دریافت اینکه در اطراف قارص آذوقه کمیاب می‌باشد، به آپاران^۳ حرکت کرد، جایی که او کاتولیکوس^۴ آبراهام کرتسی (کرتاتسی)^۵ ارمنی را ملاقات نمود. سپس او اقدام به محاصرهٔ ایروان و تسخیر بایزید نمود. نادر با برجای گذاشتن نیرویی برای ادامهٔ محاصرهٔ ایروان، به اچمیادزین^۶ حرکت کرد، از کلیسای اچمیادزین بازدید نمود، و سپس به سوی پاراکار^۷ حرکت کرد.

او در آنجا اخباری را دریافت کرد، مبنی بر آنکه عبدالله پاشا و سپاهش از آرپاجای^۸ گذشته‌اند و برای نبرد آماده هستند. نادر به مقابله ترک‌ها شتافت و در غروب ۱۸ ژوئن نیروهایش به نزدیکی زندگی چای^۹ رسیدند، و در تپه‌ای اردو زدند. سپاه ترک در دشت باغاورد (اغوارد)^{۱۰} در چند مایلی آنجا اردو زدند. دو سپاه روز بعد (۱۹ ژوئن) جنگ کردند و علیرغم برتری سپاهیان عثمانی در تعداد،

1. Lori

2. Kars

3. Aparan

۴. Kat'oghikos. (همچنین به صورت Catholicos یا Katolikos خوانده می‌شود) یک بطریق عالی کلیسای ارمنی است. اگرچه در گنجه‌سار (قرباغ)، آق‌تاماران (وان)، و سیس (کیلیکیه) در قرن هجدهم مقام کاتولیکوسی وجود داشت، اما تنها یک کاتولیکوس مهم و اصلی برای همهٔ ارمنه وجود داشت و او در کلیسای مقدس اچمیادزین در ارمنستان شرقی اقامت داشت. (م.ا). این اصطلاح به‌صورت «کاتوخی کوس» و «کاتولیکوس» نیز به‌کار می‌رود. کاتولیکوس همان خلیفهٔ بزرگ ارمنه است. جاثلیق معرب این کلمه است و به همین معنی به‌کار می‌رود. چون اصطلاح خلیفه و خلیفه‌گری در میان ارمنیان ایران متداول است، شاید به‌کار بردن اصطلاح «خلیفه» در اینجا مناسب‌تر بود. ولی چون اصطلاح «کاتولیکوس» نیز در میان ارمنهٔ ایران بسیار به‌کار می‌رود و متداول است و از سویی به‌دلیل همخوانی این اصطلاح با عنوان انگلیسی آن، بنابراین ما در ترجمهٔ فارسی از اصطلاح «کاتولیکوس» استفاده کردیم. (م. ف)

۵. Kat'oghikos Abraham of Crete. (Kretats'i). کاتولیکوس از ۲۴ نوامبر ۱۷۳۴ تا ۱۸ آوریل ۱۷۳۷ (م.ا)

۶. Ejmiatsin. مکان مقدس و دینی ارمنه که کلیسای اچمیادزین در آن قرار دارد. (م.ا)

7. Parakar

8. Arpa Çay

9. Zangi Çay

۱۰. Bagävârd (Eghvard). نام دشت بزرگی از محال ایروان. در جهانگشای نادری «باغ آورد» نوشته شده است. رک: استرآبادی، میرزاهدی خان، جهانگشای نادری، به اهتمام سید عبدالله انوار، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۲۵۲. در تاریخچهٔ نادرشاه «باغاورد» آمده است و در توضیحات آن نیز آمده است که: در زبان ارمنی به آن اغوارد، اغورد می‌گویند. نک: مینورسکی؛ و. تاریخچه نادرشاه، ترجمهٔ رشید یاسمی، تهران، کتاب‌های سیمرخ، چاپ سوم، ۱۳۶۳، ص ۵۱. (م. ف)

عثمانی‌ها شکست خوردند و عبدالله‌پاشا کشته شد. اسرای ترک برای رساندن اخبار بد و ناگوار به گنجه، ایروان و تفلیس فرستاده شدند و در نیمه ژوئیه گنجه و تفلیس به ایرانیان تسلیم شدند. ایروان به مقاومت خود ادامه داد، در حالیکه ایرانیان قارص را محاصره کردند و به تخریب حومه مناطق آراپچای تا ارزروم اقدام کردند. عثمانی‌ها درخواست صلح کردند، و در مقابل برداشتن محاصره قارص از سوی نادر، ایروان را در ۳ اکتبر تسلیم کردند.

با بازگشت قفقاز جنوبی به دست ایرانیان، نادر به سرکوب شماری از قبایل داغستان، که با عثمانی‌ها همکاری کرده بودند، اقدام نمود. در پایان ۱۷۳۵ نادر دوباره همه قلمرو پیشین امپراطوری صفویه (به استثنای قندهار) را به دست آورده بود. بنابراین، او فرامینی به فرماندهان نظامی، حکام، قضات، رهبران مذهبی، و اشراف و اعیان، هم‌چنین به بطریق‌های ارمنی و دیگر رهبران ارمنی، برای گرد آمدن در دشت مغان صادر نمود، جایی که یک قوریلتهای، یا یک انجمن ملی، تشکیل داد.

نادر در غروب ۲۲ ژانویه ۱۷۳۶ رسید. تا ۳ فوریه همه نمایندگان رسیده بودند. در نخستین روز عید فطر (۱۴ فوریه)، نادر پس از اظهار تواضع ساختگی گفت که آرزوی کناره‌گیری از خدمت را دارد و آنها می‌بایست یکی از بازماندگان صفویه را به عنوان شاه خودشان انتخاب نمایند. همه دریافتند که نادر صادق نیست و آرزوی تصرف تخت را دارد. همه آنها از ترس جان‌هایشان، از او استدعا کردند سلطنت را بپذیرد و او پس از چند روز طفره رفتن، مشروط بر پذیرش شرایط وی، موافقت نمود. به این ترتیب افشارها جانشین صفویان شدند.^۱

تاجگذاری در ۸ مارس ۱۷۳۶ انجام شد. شاه جدید نامش را به نادر تغییر داد، بزرگترین پسرش، رضاقلی، را به عنوان وارث اش و حکمران خراسان تعیین نمود، و برادرش، ابراهیم، را به عنوان حکمران آذربایجان با اختیار قانونی حکومت بر ارمنستان، گرجستان، و داغستان منصوب نمود. چند هفته بعد از سال جدید ایرانی (نوروز)، نادر و سپاهش مغان را ترک کردند (۱۴ آوریل) و به

۱. طهماسب دوم و دو پسرش، عباس سوم و اسماعیل، بعداً اعدام شدند. (م.ا)

اصفهان بازگشتند، از جایی که او زود به منظور تصرف مجدد قندهار و حمله به هندوستان خارج گردید.

[این] «وقایع نگاری» برای نخستین بار در این جا به انگلیسی چاپ می شود. در سال های ۱۷۳۶-۱۷۳۷ م. (۱۱۴۹-۱۱۵۰ ه.ق) توسط بطریق اعظم کلیسای ارمنی، کاتولیکوس آبراهام سوم، که در شهر کاندیا^۱ در جزیره کرت^۲ به دنیا آمده بود، نوشته شده است. آن دربردارنده حوادث صورت گرفته از آوریل ۱۷۳۴ تا نوامبر ۱۷۳۶ (۱۱۴۷-۱۱۴۹ ه.ق) می باشد، و شامل جزئیات انتخاب ناگهانی و غیرمنتظره وی به مقام کاتولیکوسی و ملاقاتش با نادر به هنگام لشکرکشی آخرش به ماورای ارس است. آبراهام حضورش را در قوریلتهای دشت مغان توصیف می کند، جایی که او یک شاهد عینی انتخاب نادر به عنوان شاه جدید ایران بود.

«وقایع نگاری» در میان منابع اولیه و اصلی انگشت شماری است که درباره حوادث اتفاق افتاده در شمال غربی ایران به ویژه ارمنستان شرقی به هنگام سال های ۱۷۳۴-۱۷۳۶ م. (۱۱۴۷-۱۱۴۹ ه.ق) بحث می کند.^۳ آن نه تنها تصویر زنده ای از شرایط اجتماعی-اقتصادی و سیاسی منطقه را ارائه می دهد، بلکه اطلاعات مشروح و مفصلی از سپاه ایران و دستگاه اداری که در منابع ایرانی آن دوره موجود نیستند را عرضه می دارد. علاوه بر این، «وقایع نگاری» منبعی غنی از اصطلاحات فارسی، ترکی و عربی به کار رفته در نیمه نخست قرن هجدهم می باشد.

«وقایع نگاری» نخستین بار در ۱۷۹۶ در کلکته چاپ شد.^۴ این چاپ بر اساس نسخه ای خطی بود که توسط شخصی ناشناس از اچمیادزین (در ارمنستان متعلق به ایران آن دوره) به هند برده شد. نسخه بعدی در واقارشاپت^۵، اچمیادزین (در

1. Kandia

2. Crete

۳. منبع ارمنی دیگر «تاریخ جنگ ها» ۱۷۲۱-۱۷۳۶ از آبراهام ایروانی است. مهمترین منابع فارسی عبارتند از: تاریخ محمد کاظم مروی، نامه تاریخ عالم آرای نادری و جهانگشای نادری. به توضیحات پایان کتاب رجوع نمایید. (م. ا.)

4. Patmut'iw'n Abraham Kat'oghikosi Kretats'woy

5. Vagharshapat

ارمنستان متعلق به روسیه آن دوره) در ۱۸۷۰ چاپ شد.^۱ در ۱۸۷۶ بروسه چاپ واقارشاپت را به فرانسه ترجمه کرد و آن را در جلد دوم اثرش به نام مجموعه تواریخ ارامنه جای داد که در سنت پترزبورگ منتشر شد.^۲ در ۱۹۶۹ یک ترجمه فارسی از فصول بیست و دوم تا چهل و پنجم چاپ واقارشاپت در تهران به عمل آمد.^۳

به‌رحال برای پدیدار شدن چاپی جدید از «وقایع‌نگاری» در ارمنستان، یک قرن طول کشید. در ۱۹۷۰ گروهی از پژوهشگران در آرشیوهای ماتناداران در ایروان، تحت سرپرستی هاکوب پاپازیان^۴ به آماده‌سازی متنی انتقادی از

1. Abraham Kat'oghikosi Kretats'woy Patmut'iw n ants'its'n iwrots' ev Nadr Shahin Parsits'.

صومعه اچمیادزین در شهر واقارشاپت (شهر اچمیادزین کنونی) واقع شده است. (م.ا)

2. M. Brosset, "Mon Histoire et celle de Nadir, Chah de Perse, Par Abraham de Crête, Catholicos," II. 259-330.

این ترجمه نه تنها شامل اشتباهاتی، به‌ویژه در توضیح و تفسیر برخی از لغات ترکی و فارسی است، بلکه قسمت‌هایی از متن را نیز خلاصه کرده است. (م.ا)

۳. منتخباتی از یادداشت‌های آبراهام گاتوغی گوس خلیفه اعظم ارامنه؛ ترجمه عبدالحسین سپنتا و استیفان هانانیا، تهران، انتشارات وحید، ۱۳۴۷/۱۹۶۹. نصرالله فلسفی قسمت‌هایی از این ترجمه را در مقاله‌اش تحت عنوان: چگونه نادرقلی نادرشاه شد؛ در ماهنامه هور (شماره‌های ۱۰-۱۱، تهران، ۱۳۵۱/۱۹۷۲) استفاده نموده است. (م.ا). لازم به ذکر است وقایع‌نامه آبراهام کرتی که توسط عبدالحسین سپنتا و استیفان هانانیا با عنوان مذکور در فوق ترجمه شده است، فقط شامل قسمت‌هایی از کتاب می‌شود که راجع به دشت مغان و انتخاب و تاجگذاری نادر است و آن فصل بیست و دوم تا چهل و ششم را دربر می‌گیرد. (نه آن‌گونه که مترجم انگلیسی می‌نویسد تا فصل چهل و پنجم) این ترجمه در اصل در سال ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ش. در اصفهان به‌طبع رسیده و در سال ۱۳۴۷ شمسی توسط انتشارات وحید به چاپ دوم رسیده است. مرحوم نصرالله فلسفی نیز بخش‌هایی از این کتاب را - که مربوط به مقدمات آشنایی خلیفه ارمنی با نادر و تعریف مجلس دشت مغان و اتفاقات گوناگون آن مجلس و تشریفات انتخاب نادرقلی به پادشاهی ایران و ترتیب تاجگذاری او - در مقاله‌ای با نام چگونه نادرقلی نادرشاه شد، آورده است. همچنین صورت وثیقه عهدنامه نادری را نیز در آن گنجانده است. این مقاله در کتاب چند مقاله تاریخی و ادبی، توسط انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲ منتشر شده است. ترجمه‌های مذکور هر چند مختصر است و دربردارنده تمامی متن وقایع‌نامه آبراهام کرتی نمی‌شود ولی به‌ویژه ترجمه سپنتا و هانانیا شامل اعلام تاریخی و جغرافیایی مهمی است که برای فهم اماکن تاریخی و جغرافیایی ارمنستان و بخش‌هایی از قفقاز بسیار سودمند است. رک: سپنتا، عبدالحسین، هانانیا، استیفان، منتخباتی از یادداشت‌های آبراهام گاتوغی گوس خلیفه اعظم ارامنه؛ تهران، انتشارات وحید، چاپ دوم، مهرماه ۱۳۴۷؛ فلسفی، نصرالله، چند مقاله تاریخی و ادبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲. (م. ف)

4. Hakob Papazyan

«وقایع‌نگاری» اقدام نمودند. از آنجایی که تنها نسخه‌ای ناهموار از فصول دهم تا بیست و یکم از دست‌نوشته خود آبراهام برجای مانده بود،^۱ بنابراین نسخه خطی دیگری که کامل‌تر بود و تصور می‌شد که تحت نظارت آبراهام تهیه شده بود، به‌عنوان متن اصلی و اساسی به‌کار گرفته شد.^۲ پنج نسخه خطی دیگری که در ماتناداران نگاهداری می‌شدند، در آماده‌سازی متن انتقادی به‌کار گرفته شدند. نخستین نسخه که پس از ۱۷۳۶ نسخه‌برداری شده بود،^۳ دومی که در ۱۷۶۷ یا بعد از آن آماده شده بود،^۴ سومین نسخه که در خلال قرن هجدهم نسخه‌برداری شده بود،^۵ و چهارمین نسخه که در ۱۷۹۷ نسخه‌برداری شده بود؛^۶ تمام اینها کارهای نسخه‌برداران ناشناس می‌باشند. پنجمین نسخه که توسط هووانس تاقوریان^۷ در استانبول در ۱۸۵۶ نسخه‌برداری شده بود.^۸ هم‌چنین شماری از نسخه‌های خطی وقایع‌نگاری در خارج از ارمنستان بررسی شدند. دو تا از اورشلیم: یک نسخه رونوشت شده در سال ۱۷۷۵ در ارزروم، و یک رونوشت که توسط تره‌هووانس^۹ در کلیسای صرب استپانوس^{۱۰} در ازمیر^{۱۱} در ۱۸۲۱ آماده شده بود؛^{۱۲} دو تا از وین،^{۱۳} و یک رونوشت متعلق به قرن نوزدهم که در فهرست کتب کتابخانه ملی در پاریس نگاهداری می‌شود.

چاپ انتقادی از شش نسخه خطی در ارمنستان^{۱۴} هم‌چنین از نسخه متعلق

۱. آرشیوهای ماتناداران، نسخه شماره ۷۱۳۰ (ا.م.)
۲. همان، نسخه شماره ۱۶۷۴ (چاپ‌واقارشات در این نسخه هم‌چنین استفاده شده است. (ا.م.)
۳. همان، نسخه شماره ۵۰۲۶، ورق‌های ۱۵۹ a-۲۰۴ b. (ا.م.)
۴. همان، نسخه شماره ۲۶۱۶ ورق‌های ۷۲ a-۱a. (ا.م.)
۵. همان، نسخه شماره ۵۹۷۴، ورق‌های ۱۹۳ a-۸۶a. (ا.م.)
۶. همان، نسخه شماره ۲۷۲۲، ورق‌های ۳۶ b-۴a. (ا.م.)
7. Hovhannes T'agvoryan
۸. همان، نسخه شماره ۲۶۲۲، ورق‌های ۲۲۰ a-۳۷۵a. (ا.م.)
9. Ter - Hovhannēs
10. The Church of Surb Step'annos
11. Smyrna
۱۲. آرشیوهای بطریق ارمنی در اورشلیم، نسخه شماره ۶۹۹، و نسخه شماره ۹۵۹. (ا.م.)
۱۳. کتابخانه مخیتاریست در وین، نسخه شماره ۶۱۶، و نسخه شماره ۸۴۰. (ا.م.)
۱۴. کونداک یا چکیده مختصر که از نسخه شماره ۱۳۸۷ ماتناداران گرفته شده است، تنها نسخه وقایع‌نگاری است که علاوه بر نسخه چاپی واقارشات، شامل این مطالب اضافی است. (ا.م.)